

## نقش سیاسی و اقتصادی آسیای مرکزی در روابط بین‌الملل

دکتر ابراهیم متقی<sup>۱</sup> زهرا قاسمی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۲/۶/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۲/۴/۱۲

### چکیده

در بررسی تحولات آسیای مرکزی و نقش این منطقه در اقتصاد بین‌الملل، آسیای مرکزی به عنوان یک خرده سیستم در نظام بین‌الملل در نظر گرفته می‌شود چرا که مجاورت کلی بین بازیگران، و بخش‌های گوناگون آن وجود دارد و نیز بروز هرگونه تغییری در آسیای مرکزی می‌تواند دیگر بخش‌های منطقه و اقتصاد این کشورها را تحت تأثیر قرار دهد. در این راستا می‌توان نقش آسیای مرکزی را در اقتصاد بین‌الملل و نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را در روند توسعه اقتصاد این کشورها مورد بررسی قرار داد. در همین راستا باید قدرت‌ها را به دو دسته منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تقسیم نمود که می‌توان از ایران، روسیه و ترکیه به عنوان قدرت‌های منطقه‌ای که پیوندهای تاریخی بسیار با کشورهای این منطقه دارند اشاره نمود و در سطح فرامنطقه‌ای نیز از کشورهای نظیر آمریکا، اتحادیه اروپا و سازمان‌های بین‌المللی نام برد. در حقیقت توجه به آسیای مرکزی به دلیل منزلت سیاسی و اقتصادی آن نیست بلکه موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی این منطقه در معادلات جهانی است که قدرت‌های جهانی را به تعمق در مورد این منطقه واداشته است.

واژگان کلیدی: استراتژیک، آسیای مرکزی، انرژی، قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، توسعه

<sup>۱</sup>. اسنادیاری و عضو هیئت علمی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ایران

Ebrahim\_motaqi@yahoo.com

<sup>۲</sup>. دانش آموخته کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، گروه علوم سیاسی، شیراز، ایران،

z.ghasemi1986@yahoo.com

## مقدمه:

با فروپاشی اتحاد "جماهیر شوروی" مناطق سیاسی، امنیتی و اقتصادی جدیدی در آسیای مرکزی به وجود آمد و در نتیجه بلوک شرق به رهبری اتحاد جماهیر شوروی به جمهوری‌های جدید تقسیم‌بندی شد که این جمهوری‌های جدید منطقه آسیای مرکزی را تشکیل دادند البته استقلال این جمهوری‌ها با توجه به وابستگی‌های عمیق و گسترده آن‌ها به فدراسیون روسیه باید مورد توجه قرار گیرد.

میراث نظام کمونیستی، کشورهای آسیای مرکزی را امروزه با مشکلات عدیده‌ای مواجه ساخته است چرا که اقتصادهای تک محصولی نظیر صدور پنبه و مواد معدنی سبب گردیده که تلاش این کشورها در مسیر توسعه و استقلال واقعی با موانع جدی مواجه گردد.

کشورهای آسیای مرکزی پس از استقلال در پی توسعه انواع جدیدی از روابط در سطح منطقه برآمدند و از سوی دیگر منابع سرشار معدنی در این کشورها سبب گردیده که قدرت‌های بزرگ جهان توجه ویژه‌ای به این منطقه داشته باشند البته ذکر این نکته نیز ضروری است که این کشورها که تا قبل از تشکیل اتحاد جماهیر شوروی اساساً بخشی از جهان اسلام و ایران باستان بوده‌اند. اما پس از تبلیغات هفتاد ساله "کمونیسم" اینکه این کشورها با بحران هویت مواجه‌اند که این امر به نوبه خود سبب بروز تحولات جدی از سوی کشورهای مختلف در منطقه و جهان گردیده است و تلاش می‌نمایند که با نفوذ در مسیر شکل‌گیری سیاست‌ها و اهداف کلان این کشورها، منافع خود را تنظیم نمایند. یکی دیگر از مشکلات این کشورها دگرگونی در ساختارهای سیاسی است که بعضاً از سوی غرب مطرح می‌گردد؛ چرا که نظام‌های سیاسی در این جمهوری‌ها با تأثیرپذیری از فرهنگ روسی و شرقی آمادگی لازم را برای انتقال سریع به نظام‌های مردم‌گرا ندارد. البته ویژگی عمده این جمهوری‌های جدید عدم توسعه سیاسی بود و اغلب این کشورها به دلیل سلطه شوروی تجربه‌چندانی در ایجاد حکومت‌های دموکراتیک نداشتند و اغلب

از سیستم‌های دیکتاتوری و ریاست جمهوری‌های مادام‌العمر برخوردار بودند و عامه مردم نیز از درک سیاسی بسیار پایینی برخوردار بودند که در روند توسعه سیاسی اقتصادی این کشورها تأثیرگذار بوده است.

حضور میلیون‌ها مسلمان در آسیای مرکزی و پیوند عمیق آنان با فرهنگ، تاریخ و تمدن ایران فرصت چشمگیری را برای جمهوری اسلامی ایران به وجود آورده است. استفاده از این فرصت‌ها به منظور تحقق منافع ملی ایران در گرو شناخت صحیح و منطبق با واقعیت‌ها از مسائل این منطقه است چرا که هرگونه ساده‌اندیشی و افراط ما را از دستیابی به اهداف منطبق با نیازها و اهداف ملی باز خواهد داشت.

لذا در این گود رقابت که کشورهای قدرتمندتری مانند "ایالات متحده آمریکا"، "روسیه" و هم‌چنین برخی از کشورهای اروپایی وجود دارند ایران دارای امتیازات بیشتری نسبت به سایر رقیبان است و کافی است با تدبیری درست و واقع‌بینانه از این فرصت استفاده کند. به همین دلیل در این مقاله تلاش گردیده که جایگاه اقتصادی آسیای مرکزی در روابط بین‌الملل بیشتر شناخته شود تا بتواند در اتخاذ سیاست‌ها نسبت به آسیای مرکزی، تصمیمات عقلایی و منطبق با اصول بین‌المللی مفید و مؤثر باشد.

### ویژگی کشورهای آسیای مرکزی

از نظر جغرافیایی می‌توان اذعان داشت که کشورهای این منطقه در تقاطع دو قاره بزرگ قرار گرفته‌اند و نقش یک پل ارتباطی میان "اروپا" و "اوراسیا" را دارند و علاوه بر این "آسیای مرکزی" در محل تقاطع فرهنگی میان شرق و غرب واقع گردیده که از نظر تاریخی این منطقه در مسیر جاده ابریشم قرار دارد و شاید بتوان گفت که فرهنگ غرب نیز از همین مسیر به شرق نفوذ کرد. کشورهای این منطقه عبارتند از: تاجیکستان، قرقیزستان، قزاقستان، ازبکستان و ترکمنستان.

## الف) تاجیکستان

"تاجیکستان" که در جنوب شرقی آسیای مرکزی واقع گردیده یک کشور کوهستانی است. منابع عمده در تاجیکستان شامل ذخایر غنی سنگ‌های معدنی از جمله آهن، تنگستن، سرب، روی، مس، قلع، جیوه، سنگ سرمه، طلا، اورانیوم، نمک و فلورید است. علاوه بر این نفت گاز و سنگ‌های قیمتی نیز در این کشور یافت می‌شود. همچنین از عمده‌ترین صنایع در جمهوری تاجیکستان صنایع شیمیایی پنبه پاک‌کنی، نساجی، بافندگی و صنایع استخراج گاز و نفت می‌باشد. همچنین عمده‌ترین محصول این کشور کتان است (اکینر، ۱۳۸۷: ۳۳۳). تاجیکستان به دلیل داشتن مرز مشترک با "چین"، "افغانستان" و نزدیکی با "پاکستان" و "هند" به عنوان "دروازه آسیای مرکزی" تلقی می‌گردد همچنین وجود یخچال‌های طبیعی متعدد که سرچشمه در رود "امودریا" و "سیردریا" دارد باعث اهمیت استراتژیک این کشور در آسیای مرکزی گردیده است (شیرازی و مجیدی، ۱۳۸۲: ۲۰).

## ب) قرقیزستان

"قرقیزستان" که در شرق آسیای مرکزی واقع شده یک کشور محصور به خشکی به شمار می‌آید. این کشور حایل میان "چین" و "تاجیکستان" محسوب می‌گردد و از سوی دیگر تأثیرپذیری از تاریخ چین به طور قابل ملاحظه‌ای در این کشور به چشم می‌خورد و این کشور به دلیل داشتن انبار عظیمی از مواد کانی همواره مورد توجه سایر کشورها بوده است و در نهایت می‌توان گفت که این کشور به دلیل قرار داشتن در مسیر جاده ابریشم، کوه‌ها، قله‌های زیبا و دریاچه آبی ایسک کول از صنعت توریسم بسیار قوی برخوردار است.

## ج) قزاقستان

این کشور در بخش میانی قاره اروپا- آسیا و شمال آسیای مرکزی قرار دارد و بیش از

این کشور در بخش میانی قاره اروپا- آسیا و شمال آسیای مرکزی قرار دارد و بیش از صد ملیت در آن جای دارد. "قزاقستان" به عنوان شمالی‌ترین کشور آسیای مرکزی بیشترین مرز مشترک را با روسیه داراست. این کشور با داشتن وسعت زیاد دارای شرایط آب و هوایی و جغرافیایی متنوعی است و همچنین به دلیل وجود منابع سرشار زیرزمینی نفت و گاز، موقعیت استراتژیک متمایزی در میان کشورهای منطقه دارد. این کشور دارای ذخایر زیرزمینی زیادی است که ۹۰ درصد کروم، ۵۰ درصد زغال سنگ و ۷ درصد نفت اتحاد جماهیر شوروی را تأمین می‌نمود(فو، ۱۳۷۴: ۱۹۳).

(د) ازبکستان

"ازبکستان" که در غرب آسیای مرکزی واقع گردیده با چهار کشور منطقه دارای مرز مشترک است. این کشور به دلیل قرار گرفتن بین رودهای امودریا و سیردریا و هم مرز بودن با تمام جمهوری‌های منطقه به عنوان "قطب میانی آسیای مرکزی" محسوب می‌شود. این کشور به دلیل وجود عوامل جغرافیایی، اقتصادی، تاریخی و فرهنگی از ویژگی‌های خاص در روابط "ژئوپلیتیک" و "اقتصادی" خویش برخوردار است و به دلایل ذیل دارای اهمیت خاصی در منطقه است:

۱) با فرهنگ اسلامی پیوندی دیرینه دارد و دارای هویت اسلامی است.

۲) دارای منابع صنعتی غنی به ویژه نفت، گاز، طلا و ذغال سنگ می‌باشد.

۳) از لحاظ جغرافیایی در قلب آسیای مرکزی قرار دارد.

اما این کشور علی‌رغم عدم دسترسی به آب‌های آزاد دارای منابع سرشار عظیم گاز، نفت، زغال‌سنگ، سرب، منگنز، اورانیوم و... است(شیرازی و مجیدی، ۱۳۸۲: ۱۹).

ه) ترکمنستان

"ترکمنستان" در جنوب باختری آسیای مرکزی قرار دارد. این کشور در فهرست ۴ کشور بزرگ تولیدکننده گاز طبیعی و نفت در شوروی سابق بود. ذخایر اثبات شده گاز در این کشور ۲۰۰۰ میلیارد متر مکعب است و ۵۴۶ میلیون بشکه نفت را دارا می‌باشد. البته بیشترین ذخایر نفتی در غرب ترکمنستان از جمله در پهنه دریای خزر متمرکز شده و ذخایر گاز نیز تقریباً در سراسر خاک این کشور نهفته است.

ترکمنستان دارای اقتصادی رو به رشد است و با توجه به منابع سرشار نفت، گاز و پنبه از طریق سرمایه‌گذاری؛ صنایع پایین دست را گسترش داده و جزء معدود کشورهایی است که "فرآورده‌های نفتی" صادر می‌کند و با فرآوری محصول پنبه و اتکا به نیروی کار خود؛ صنایع نساجی پیشرفته‌ای دارد که از بازار فروش بالایی در سطح جهانی برخوردار است و همچنین با فروش مقدار زیادی گاز به کشورهای نظیر "روسیه"، "اوکراین" و "ایران" به کسب درآمد نفتی می‌پردازد.

دولت ترکمنستان بر پایه یک استراتژی بلندمدت؛ به منظور استفاده بهینه از منابع خدادادی از یک سری اصول پیروی می‌نماید که عبارتند از:

- ۱- تبدیل ترکمنستان به مرکزیت ترانزیت آسیای مرکزی؛
- ۲- خصوصی‌سازی تدریجی در بخش صنایع سنگین؛
- ۳- ایجاد مناطق آزاد تجاری و صنعتی؛
- ۴- افزایش تولید عمران و آبادانی (شیرازی و مجیدی، ۱۳۸۲: ۳۵).

### اهمیت آسیای مرکزی در روابط بین‌الملل

این نقطه از جهان، امروزه به دلایل متعددی در سیاست‌های جهانی مورد توجه شایانی قرار گرفته است و هر یک از کشورها؛ چه منطقه‌ای و چه فرامنطقه‌ای سعی دارند تا منافع خود را در این منطقه حفظ نمایند.

از عمده‌ترین مسائلی که بر اهمیت آسیای مرکزی در معادلات جهانی افزوده می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- آسیای مرکزی از لحاظ جغرافیائی در محل تقاطع اروپا در غرب و آسیا در شرق واقع شده و از سوی شمال نیز به روسیه و از جنوب نیز به جهان اسلام محدود شده است (مجتهدزاده، ۱۳۷۶: ۳۵).

۲- آسیای مرکزی منطقه‌ای است محصور در خشکی، بی آنکه به دریا راه داشته باشد، لذا از طریق عبور از خاک همسایگانش به آب‌های آزاد جهان راه پیدا می‌کند (شوکوئی، ۱۳۷۳: ۱۱۲).

۳- آسیای مرکزی دارای منابع طبیعی به ویژه گاز، نفت و فلزاتی نایاب در منطقه می‌باشد و دارای شرایط مناسبی جهت کشت پنبه و سایر محصولات کشاورزی است.

۴- آسیای مرکزی در محل تقاطع فرهنگی میان شرق و غرب واقع گردیده به طوری که با فرهنگ ترکی و اسلامی پیوندهایی دیرینه دارد. از نظر تاریخی هم، این منطقه مدت‌ها در مسیر جاده ابریشم قرار داشته و فرهنگ غرب نیز از همین مسیر به شرق نفوذ کرده است (حیدری، ۱۳۷۲: ۱۱۴).

۵- از نظر ژئواستراتژیک آسیای مرکزی نماینده گونه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌ها در بخش پهناوری از گیتی است. آسیای مرکزی تنها منطقه جهان است که چهار قدرت هسته‌ای "روسیه"، "چین"، "پاکستان" و "هند" را به هم وصل می‌کند.

از منظر جغرافیائی و اقتصادی نیز می‌توان به این منطقه نگریست که عمده‌ترین ویژگی‌های اقتصادی این منطقه به قرار زیر می‌باشند:

الف) به سبب اهمیت روزافزون عوامل اقتصادی در روابط بین‌الملل و صنایع غنی انرژی، آسیای مرکزی به دلیل برخورداری از منابع غنی انرژی مانند گاز، نفت و فلزات غنی می‌تواند توسعه خود را در ارتباط با اقتصاد جهان تسریع نماید.

ب) فرایند منطقه‌ای شدن اقتصادهای جهان به موازت بین‌المللی شدن آن‌ها که به سهم خود می‌تواند همکاری اقتصادی منطقه آسیای مرکزی را بر مبنای نیازهای آنان و همچنین همکاری‌های اقتصادی آن‌ها با سایر کشورهای همجوار اعتلاء ببخشد.

ج) پایان انزوای این منطقه که نتیجه میراث شوروی بود و شرایط مساعد جغرافیایی، سبب شده که این کشورها که در نقطه تقاطع دو قاره بزرگ واقع شده‌اند به عنوان یک پل ارتباطی و چهارراه ترانزیتی میان اروپا و آسیا باشند.

علاوه بر این، مؤلفه‌هایی چون استقرار در نزدیکی تقاطع آسیا و اروپا، قرابت ارضی با قدرت‌هایی چون روسیه، چین، ایران و پاکستان، دارابودن دومین مخازن بزرگ انرژی دنیا مانند: طلا، مس و تنوع محصولات کشاورزی همچنین وجود جمعیت جوان رو به رشد منزلت ممتازی را برای این کشورها در معادلات جهانی و اقتصاد بین‌الملل به همراه داشته به طوری که امروزه برخی از صاحب‌نظران از این منطقه به عنوان قلب جهان یاد می‌کنند.

البته باید اذعان داشت که علاوه بر این شرایط مساعد که در بالا یاد شد مواردی نیز وجود دارند که از لحاظ امنیتی این کشورها را آسیب‌پذیر نموده است که در ذیل به برخی از این موارد اشاره خواهد شد:

- فقدان ظرفیت‌سازی و عدم توانایی در ایجاد یک سیستم اقتصادی منسجم؛
- مشخص نبودن موقعیت دولت نسبت به جامعه و به طور کلی ناکارآمدی فرایند دولت-ملت‌سازی؛
- اختلافات متعدد ارضی و مرزی؛
- تنوع قومی قبیله‌ای و جنگ‌های داخلی؛
- عدم دسترسی به آب‌های گرم بین‌المللی و محصور بودن در خشکی.

شاید بتوان اذعان داشت که این کشورها به دلیل وجود ضعف‌هایی متعدد راه درازی را برای تبدیل شدن به یک قطب اقتصادی در پیش دارند چرا که با وجود منابع انرژی عظیم هنوز نتوانسته‌اند از سلطه‌ای که در دوران شوروی بر آن‌ها حاکم بود خارج شوند و در نتیجه این کشورها هنوز نتوانسته‌اند یک سیستم سیاسی اقتصادی کارآمد ایجاد نمایند و از بسیاری جهات حتی در پیش‌پا افتاده‌ترین مسائل به قدرت‌های جهانی و سازمان‌های بین‌المللی وابسته هستند. لذا چنین ضرورتی سبب می‌گردد که ما، منافع قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی را بررسی نماییم تا بدین وسیله بر اهمیت بیشتر این منطقه در معادلات جهانی پی برده باشیم.

### آسیای مرکزی و قدرت‌های منطقه‌ای

#### ۱- روسیه

"روسیه" به عنوان کشوری که ارتباطی دیرینه با کشورهای آسیای مرکزی دارد و از دیرباز نیز به این منطقه چشم داشته دارای منافع مهمی در آسیای مرکزی است که عبارتند از:

- بهره‌برداری از منابع و ذخایر زمینی آسیای مرکزی

بسیاری از سیاستمداران روسی بر این باورند که روسیه هنوز به ذخایر زیرزمینی آسیای مرکزی و قفقاز نیازمند است و در این خصوص باید حداکثر منافع را به خود اختصاص دهد. روسیه هنوز نیازمند صدور نفت و مواد خام است و در مناطق "آسیای مرکزی" و "قفقاز" بهای آن همچنان کمتر از بازارهای جهانی است و از سوی دیگر کالاهای روسی در بازار جهانی با مشکل رقابت با توجه به کیفیت نازل خود روبرو هستند و مسکو می‌تواند با تبدیل مواد خام این مناطق به کالاهای مورد نیازشان؛ آن‌ها را مصرف‌کننده محصولات روسی و وابسته به اقتصاد خود نگه دارد. البته امروزه با وجود رقبای بزرگ جهانی این سیاست‌ها بین مسکو و کشورهای آسیای مرکزی طوری ترسیم شده که هر دو طرف ذینفع باشند.

-حفظ و حمایت از حقوق ۱۰ میلیون روس در آسیای مرکزی

با شعله ور شدن جنگ‌های داخلی در کشورهای آسیای مرکزی- برای نمونه در تاجیکستان اقلیت‌های روسی با مشکلات عدیده‌ای مواجه گردیدند- روسیه مجبور شد تا ۲۵ هزار سرباز روس را به منطقه اعزم نماید تا درگیر جنگ‌های پارتیزانی شوند. از سوی دیگر جناح مخالف در تاجیکستان که از سوی مجاهدین افغان مجهز شده بودند و به نظر می‌رسید که مدت طولانی بتوانند دوام بیاورند و بدین وسیله گروه‌های تروریستی افغان در مرزهای روسیه استقرار پیدا می‌کردند که این مسئله امنیت مرزهای روسیه را به خطر می‌انداخت در نتیجه روسیه مصمم گردید که حضوری فعالانه‌تر در این منطقه داشته باشند.

-کنترل بنیادگرایی افراطی در منطقه

خلاء سیاسی- ایدئولوژیکی به وجود آمده ناشی از سقوط "کمونیسم" و تبلیغات شدید غرب علیه "رادیکالیسم اسلامی"، "روسیه" را بر آن داشت تا بنیادگرایی را به عنوان یک عمده برای منافع ملی قلمداد نماید و در این خصوص اقدامات امنیتی ویژه‌ای را تدارک ببیند. در چنین نگرشی آسیای مرکزی به عنوان یک میدان کارزار و بازی بزرگ، وانموده شده بود که همواره می‌توانست از سوی کشورهای اسلامی و با ایدئولوژی اسلامی که از سوی ایران و عربستان صادر می‌شد مورد تهدید واقع گردد. در همین راستا منافع روسیه با ناسیونالیسم در حال توسعه قومی - سرزمینی که گاه از طرف اسلام‌گرایان افراطی تحریک می‌شوند در تضاد قرار دارد و این تصور وجود دارد که منافع روسیه در آسیای مرکزی به خطر بیفتد در نتیجه روس‌ها تصمیم گرفتند که با نفوذ در ساختار سیاسی اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی از رشد اسلام سیاسی در این مناطق جلوگیری به عمل آورند.

۲- ترکیه

۳- پس از فروپاشی "اتحاد جماهیر شوروی"، آنکارا تلاش نمود تا خلأ قدرت ایجاد شده در منطقه "آسیای مرکزی" و "قفقاز" را با اتحاد کشورهای ترک زبان در سایه تفکر پان‌ترکیسم پر نماید.

در این راستا ترکیه با توجه به پیوندهای عمیق تاریخی، فرهنگی، قومی و زبانی با دولت‌های تازه استقلال یافته به عنوان «برادربزرگ‌تر» برای کشورهای ترک زبان منطقه، مانند آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان و ازبکستان در چارچوب ایدئولوژی پان‌ترکیسم سعی در ایجاد «ترکستان بزرگ» دارد که با تحریک احساسات و سیاست‌های ضد ایرانی و ضد روسی سعی در تحقق اهداف خود دارد.

بدون شک از قدرت‌های مؤثر و با نفوذ در آسیای مرکزی را باید ترکیه دانست؛ به نحوی که سیاست‌های این کشور، چالش‌های جدی را برای حضور مؤثر سیاست خارجی ایران در این منطقه ایجاد کرده است. «مهم‌ترین دلیل توجه خاص ترکیه به مناطق مجاور خود، به ویژه کشورهای همسایه، یعنی آسیای مرکزی و قفقاز، فروپاشی شوروی و در نتیجه، تغییر در ماهیت تهدیدهای امنیتی از تهدیدهای خارجی به تهدیدهای داخلی و همچنین ایجاد فرصت‌های جدید در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز می‌باشد» (حاجی‌یوسفی، ۱۳۸۴: ۱۱۰). آنچه مسلم است حضور ترکیه در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، به ویژه فرهنگی و زبانی چالشی جدی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی به شمار می‌رود.

#### ۴- پاکستان و عربستان

این دو کشور، عمدتاً اهدافی ایدئولوژیک را در منطقه آسیای مرکزی تعقیب می‌کنند. حمایت مالی عربستان سعودی در کنار حمایت لجستیکی و آموزشی پاکستان از گروه‌های وهابی و بنیادگرا به قصد گسترش این اندیشه در آسیای مرکزی و تحت فشار قرار دادن ایران صورت می‌گیرد که چالشی دیگر برای سیاست خارجی ایران به شمار می‌رود. در این رابطه باید به جنبش‌ها و گروه‌هایی مانند «حزب النصر»، «حرکت

اسلامی ازبکستان»، «حزب التحریر اسلامی» و زیرشاخه‌های آن مانند «گروه اکرمیه» و نیز «جنبش اسلامی آسیای مرکزی» در کشورهای ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان اشاره نمود که علی‌رغم جهت‌گیری‌های اسلامی به دلیل وابستگی قدیمی به حجاز منطقه آسیای مرکزی، پای‌بندی به مبانی فکری بنیادگرایانه برپایه اندیشه‌های وهابی و سلفی، تجویز کاربرد خشونت در پیوند با گروه‌هایی مانند "طالبان" و "القاعده"، یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی سیاست خارجی ایران در منطقه آسیای مرکزی به شمار می‌رود.

از آن جا که این گروه‌ها با خط‌مشی مبارزه مسلحانه، در پی سرنگونی رژیم‌های سکولار (و از دیدگاه این گروه‌ها جهاد علیه کفار و برقراری حکومت اسلامی) هستند و در این مسیر، متوسل به اقداماتی مانند گروگان‌گیری، ترور و دریافت کمک‌های خارجی می‌شوند، نقش این گروه‌ها برهم زدن نظم، ثبات و امنیت در منطقه آسیای مرکزی است، از این رو، جمهوری اسلامی ایران باید ضمن شناسایی دقیق ماهیت چنین حرکت‌هایی به موازات تفکیک این گروه‌ها از جنبش‌های بومی و مسالمت‌آمیز اسلامی، ضمن تبریئه نمودن اتهام حمایت ایران از گروه‌های اسلامی رادیکال در منطقه، باهم‌آهنگی بیشتر با دولت‌های منطقه از شکل‌گیری یک جریان فکری، مذهبی و سیاسی در پرتو اندیشه‌های سلفی‌گری و وهابی در مرزهای شمال شرقی ایران جلوگیری نماید.

۵- ایران

پیوند میان ایران و کشورهای آسیای مرکزی ریشه در تاریخی چند هزار ساله دارد. اگر بپذیریم که اقوام ایرانی تمدن خود را در کنار رود نیک دایتی (جیحون) و کسته ایرانیه و یجه (شامل خوارزم؛ خیوه و سرزمین‌های پیرامون دریاچه آرال) آغاز کرده‌اند پس می‌توان نتیجه گرفت که آسیای مرکزی خاستگاه فرهنگ و تمدن ایرانی است. در سراسر دوران باستان؛ تاریخ ایران و آسیای مرکزی نه تنها از لحاظ فرهنگی، دینی و اجتماعی مشترک بوده است بلکه از نظر سیاسی هم یک حاکمیت مشترک تحت لوای دولت

فدرال شاهنشاهی داشته‌اند. همچنین در دوران اسلامی نیز این منطقه از فرهنگ اسلامی بهره جسته که به دلیل روی کارآمدن حکومت شیعی از دوران صفوی در ایران و دولت تزاری و کمونیستی در روسیه این پیوند فرهنگی تاریخی گسسته شد که در زمان بلشویک‌ها به اوج خود رسید.

از مسائل تاریخی و فرهنگی که بگذریم با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ایران از لحاظ سیاسی و اقتصادی جایگاه ژئوپلیتیک تازه‌ای پیدا کرد که می‌توانست از آن به خوبی بهره برداری نماید. در این راستا ایران با داشتن مرزهای مشترک با این کشورها و مسیر ارتباطی مناسب برای پیوند دادن آسیای مرکزی به بازارهای جهانی بهترین شرایط را نسبت به سایر قدرت‌های جهانی دارد. در واقع بهره‌برداری از مسیر ایران برای دستیابی به بازارهای جهانی و استفاده از آب‌های آزاد (عمان، خلیج فارس) نه تنها از لحاظ اقتصادی به صرفه است بلکه کم هزینه‌ترین راه برای کشورهای آسیای مرکزی است همچنین ساختارهای اقتصادی ایران و آسیای مرکزی زمینه‌های مناسبی را برای توسعه روابط همه جانبه در میان یکدیگر فراهم آورده است که یکی از این زمینه‌ها همکاری‌های متقابل در زمینه انرژی از جمله نفت و گاز است (مجتهدزاده، ۱۳۸۷: ۱۶۹). به طور کلی آسیای مرکزی از آن جهت که از لحاظ منابع طبیعی و مواد خام گوناگون که در این کشورها یافت می‌شود برای ایران دارای اهمیت است چنان که همه کشورهای آسیای مرکزی کمابیش دارای نفت، گاز، طلا و دیگر فلزات باارزش و از همه مهم‌تر منابع آبی هستند چرا که ایران کشوری است که شدیداً به آب احتیاج دارد و از سوی دیگر این کشورها دارای ذخایر بزرگ تنگستن، کروم، روی، نقره، سرب و اورانیوم هستند.

توسعه بازارهای مرزی و ایجاد مناطق آزاد تجاری در نواحی مرزی - علی‌رغم محدودیت‌ها و مشکلات بازارهای محلی - یکی دیگر از مواردی است که اهمیت کشورهای منطقه را برای ایران دو چندان نموده است. چرا که بخشی از بازارهای مصرفی این کشورها را ایران در اختیار دارد و از آنجا که بسیاری از کشورهای آسیای مرکزی به کالاهای مصرفی نیاز دارند ایران می‌تواند این نیاز را برطرف نماید.

در ارتباط با عوامل و متغیرهای بیرونی نیز باید اذعان داشت که ایران برای تأمین منافع ملی خود در آسیای مرکزی و قفقاز به دنبال حفظ ثبات منطقه‌ای، جلوگیری از نفوذ و سلطه قدرت‌های فرامنطقه‌ای، توسعه حسن همجواری با همکاری‌های متقابل اقتصادی و حفظ روابط دوستانه با همسایگان شمالی است که در راستای روابط چند جانبه ایران تلاش نمود تا با عضویت در سازمان منطقه‌ای اگو و همکاری‌های بین کشورهای حوزه خزر و تقسیم دریا خزر میان کشورهای همسایه، سیاست‌های خود را در آسیای مرکزی به پیش برد. از سوی دیگر آسیای مرکزی برای ایران به عنوان یک جهت‌گیری استراتژیک جایگزین یا مکمل مطرح است یعنی نگاه به شمال به جای یا در کنار نگرش سنتی ایران یعنی نگاه به جنوب در سیاست خارجی ایران مورد توجه است.

### آسیای مرکزی و قدرت‌های فرامنطقه‌ای

#### ۱- آمریکا

آمریکا بازیگر اصلی فرامنطقه‌ای است که در جستجوی اهداف اقتصادی و ژئواستراتژیک، فرآیندهای منطقه‌ای را با اجرای استراتژی ترکیبی در کنترل و استخدام می‌گیرد. از اهداف کلان آمریکا در آسیای مرکزی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

#### ✓ جلوگیری از پیوندهای استراتژیک هند و روسیه

پیوندهای هند و روسیه به زمان شوروی سابق بر می‌گردد تا جایی که این روابط بر ارتباط متحدین آمریکا نظیر پاکستان نیز سایه افکنده بود. پس از دهه ۱۹۹۰ نیز روابط هند و روسیه همواره ادامه داشته و مناسبات دو کشور در سطوح مختلف رشد یافته است. اما اکنون در شرایط جدید افغانستان، ادامه همکاری هند و روسیه با سیاست آمریکا در افغانستان و آسیای مرکزی مغایرت دارد و لذا حضور آمریکا در قرقیزستان و افغانستان می‌تواند در شکاف بین روسیه و هند مؤثر باشد (شیرازی و مجیدی، ۱۳۸۲: ۲۹۷).

## ✓ مقابله با طرح‌های منطقه‌ای چین

چین یکی از رقیبان قدرتمند آمریکا در صحنه بین‌المللی و در این منطقه می‌باشد. قرقیزستان همسایه چین است و آمریکا با توجه به موقعیت جغرافیایی این کشور، از آن برای زیرنظر داشتن تحرکات نظامی و فعالیت‌های سیاسی چین در این منطقه از جهان استفاده می‌کند. ضمن این که در حوزه انتقال انرژی از دریای مازندران نیز با این کشور بزرگ و پرجمعیت می‌تواند رقابت نماید. پکن با توجه به خلاء قدرت پیش آمده ناشی از فروپاشی شوروی و به دلیل برخورداری از منافع گسترده اقتصادی، ملاحظات و دغدغه‌های امنیتی و سیاسی در حوزه مسائل قومی، مذهبی و نظامی، به ویژه حضور آمریکا در منطقه و گسترش ناتو به شرق، توجه ویژه‌ای به منطقه آسیای مرکزی؛ چه به صورت دوجانبه و چه چندجانبه در قالب سازمان همکاری شانگهای نشان داده است که این امر، نه تنها زمینه را برای حضور ایران در منطقه سخت‌تر می‌کند بلکه دشواری‌هایی را هم در برابر سیاست خارجی ایران ایجاد می‌نماید (علویان و کوزه‌گر کالجی، ۱۳۸۸: ۷۵).

منافع چین در آسیای مرکزی را می‌توان در موارد ذیل عنوان نمود:

۱- مهار نیروهای جدایی خواه ترکستان شرقی: از سال ۱۹۹۰ در برابر افزایش تروریسم بین‌المللی، فعالیت ترکستان شرقی افزایش یافت که احتمالاً به گروه تروریستی، تجزیه‌طلب و افراطی بزرگ و تهدیدکننده وحدت دولت و ثبات اجتماعی چین در شمال و غرب این کشور تبدیل شده است. بنابراین یکی از اهداف اصلی چین جلوگیری از تهدید به تمامیت ارضی این کشور از سوی جدایی‌طلبان ترکمنستان شرقی و همچنین مانع شدن از حمایت منطقه آسیای مرکزی از آنان است.

۲- تضمین امنیت آسیای مرکزی به عنوان تأمین‌کننده استراتژیک و عقبه قابل اعتماد برای مناطق داخلی کشور چین.

۳- توسعه همکاری‌های اقتصادی با کشورهای آسیای مرکزی و تبدیل این منطقه به یکی از منابع اصلی واردات انرژی این کشور.

✓ جلوگیری از قدرت‌یابی روسیه به عنوان رقیب

جدا کردن روسیه از جمهوری‌های شوروی، کاستن از سلطه مسکو بر حوزه نفوذ سنتی خود و به حاشیه راندن این کشور در معادلات منطقه از اهداف دیگر آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز است. این سیاست از طریق افزایش کمک‌ها و اعتبارات مالی آمریکا به این کشورها پیگیری می‌شود. با این وجود، باید گفت که سیاست ایالات متحده در مورد روسیه از مشخصه‌های دوران جنگ سرد تبعیت نمی‌کند. سیاست آمریکا در قبال روسیه بر محور دوستی استراتژیک استوار است. به عبارت دیگر، ایالات متحده به منظور توسعه حوزه نفوذ سیاسی، بهره‌برداری اقتصادی از منابع عظیم نفت و گاز، تداوم اقتدار نظام جهانی مبتنی بر نظم آمریکایی و همه‌گیر کردن ارزش‌های آمریکایی، حضور در منطقه دریای خزر را همگام با سیاست خود در خصوص دموکراتیزه کردن روسیه و قوام دادن به دوستی استراتژیک با مسکو، در عین رقابت برای کسب موقعیت مساعدتری در منطقه می‌داند (شیرازی و مجیدی، ۱۳۸۲: ۲۹۸).

✓ ارائه سناریوی طرح تقسیم دریای مازندران بین کشورهای حاشیه آن در جهت جلوگیری از ارتباط استراتژیک روسیه با ایران و منتفی ساختن امکان دستیابی روسیه به جنوب و کامل کردن محاصره ایران از سمت شمال.

✓ کنترل مسیر ذخایر عظیم نفت و گاز دریای مازندران و جلوگیری از شکل‌گیری هرگونه قدرت رقیب در برابر حاکمیت آمریکا بر منابع انرژی.

- ✓ بهره‌برداری از پتانسیل نیازهای محلی در بعد اقتصادی (سرمایه‌گذاری) و فنی (تکنولوژی) به ویژه در حوزه انرژی.
- ✓ بهره‌برداری از بحران‌های منطقه‌ای در نقش میانجی نظیر اویغوریستان، دره فرغانه و قره باغ.
- ✓ بهره‌برداری از گفتمان «مبارزه با تروریسم» پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و ارائه مواضع یکسان بین کشورهای منطقه‌ای و حاشیه منطقه و توسعه و تثبیت حضور نظامی در آسیای مرکزی و قفقاز (حافظ‌نیا، ۱۳۸۳: ۲۹).
- ✓ شکل‌دهی به حضور مستقیم از طریق نهادهای اقتصادی، فرهنگی، نظامی در منطقه.
- ✓ حمایت از اسرائیل و فراهم ساختن فضای بیشتر جهت مانور این کشور در کشورهای مسلمان غیرعرب.
- ✓ رونق و گسترش عملیات اقتصادی - سیاسی متحدین آمریکا (اسرائیل و ترکیه) در مقابل ایران، چین، و روسیه.
- ✓ جایگزین کردن رهبران آسیای مرکزی و قفقاز با ظاهری دموکراتیک و البته وابسته به غرب.
- ✓ مقابله با اسلام‌گرایی و رواج اندیشه اسلامی (بصیری و ایزدی، ۱۳۸۳: ۹۱ و ۱۳۰).
- ✓ جلوگیری از بسط نفوذ ایران در آسیای مرکزی.

✓ ارائه الگوی حکومتی مورد نظر خود در آسیای مرکزی.

### موانع و مشکلات حضور آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز

یکی از مشکلات آمریکا در منطقه آسیای مرکزی، رهبران این جمهوری‌ها هستند که بافت فکری ایشان در نظام کمونیستی شکل یافته، و به هیچ وجه نتوانسته‌اند اطمینان کامل آمریکا را به خود جلب کنند. لذا این کشور همواره در جستجوی آلترناتیوهای مناسب با ظاهری دموکراتیک و غرب‌پسند برای رهبران این منطقه است (ایوگن، ۱۳۸۳: ۱۸۰). انقلاب‌های رنگین گرجستان و قرقیزستان در این راستا قابل ملاحظه است. که به طور اختصار به برخی از این موانع اشاره خواهیم نمود.

البته توجه به این نکته مهم است که آمریکا در حضور بلندمدت در آسیای مرکزی و قفقاز با دشواری‌هایی مواجه خواهد بود. این موضوع در نوع نگرش مبتنی بر همکاری بلندمدت کشورهای منطقه با آمریکا در مواردی مجبور به اعطاء امتیازاتی گردیده که برخی از این امتیازات در بلندمدت می‌تواند با طراحی روس‌ها دشواری‌هایی را برای حضور آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز فراهم نماید. برخی از عواملی که به شکل ساختاری در رابطه با حضور بلندمدت آمریکا در منطقه می‌تواند مشکل آفرین باشد عبارتند از:

۱. ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی باقی مانده از دوران شوروی؛
۲. حضور نظامی و سنتی روسیه در منطقه و وابستگی‌های اقتصادی و نظامی به این کشور؛
۳. تفاوت‌های فرهنگی کشورهای منطقه با غرب و آمریکا، نگرانی‌های چین و روسیه و همکاری این دو کشور در قالب دو جانبه و سازمان همکاری شانگهای.

۴- اسرائیل

بدیهی است که اسرائیل نیز مانند دیگر قدرت‌های دخیل و تأثیرگذار و به عنوان یکی از قطب‌های قدرت فرامنطقه‌ای در پی دستیابی به اهداف سیاسی اقتصادی خود در منطقه است که می‌توان اهم آن‌ها را چنین برشمرد:

الف) یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های اسرائیل در برقراری ارتباط با کشورهای این منطقه پدید آوردن شبکه‌های لازم برای ارتباط با یهودیان این منطقه است که شاهد این مدعا مهاجرت نیم میلیون یهودی کمتر از چهار سال یعنی از زمان فروپاشی شوروی تا سال ۱۹۹۶ به اسرائیل است که جمعیت اسرائیل را به میزان ۱۰ درصد افزایش داد (رضایی، ۱۳۷۷: ۶۸-۶۷).

ب) هدف دیگر اسرائیل در آسیای مرکزی تحقق سیاست خارجی این کشور تحت عنوان (استراتژی پیرامونی) است که در گذشته آن را طرح‌ریزی کردند. این استراتژی که توسط بن‌گورین اولین نخست‌وزیر اسرائیل پی‌ریزی شد اتحاد اسرائیل را با کشورهای ترکیه، ایران دوران پهلوی و اتیوپی تجویز می‌کرد که با بروز انقلاب ایران این طرح عملی نشد و به زعم عده‌ای از کارشناسان آسیای مرکزی جایگزین ایران شده است.

ج) مقابله با انقلاب اسلامی ایران و جلوگیری از رشد بنیادگرایی اسلامی که نمادان مبارزه با استعمار و صهیونیسم است چرا که اسرائیل بزرگ‌ترین دشمن خود را در خاورمیانه ایران می‌داند که در همین راستا یکی از اهداف مشترک آمریکا و اسرائیل و حتی ترکیه دور نگه داشتن ایران از منطقه آسیای مرکزی است. نمونه این امر کارشکنی در انتقال نفت گاز این منطقه از ایران است که علی‌رغم غیر اقتصادی بودن خط لوله باکو-جیهان بر احداث آن تأکید دارند.

د) جلب حمایت سران کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز برای عدم حمایت آن‌ها از انتفاضه مردم فلسطین یکی دیگر از اهداف اسرائیل در آسیای مرکزی است.

ه) گسترش پیوندهای اقتصادی با کشورهای آسیای مرکزی نیز در اهداف سیاست خارجی این کشور قرار دارد چرا که به زعم اینان آسیای مرکزی می‌تواند جایگزین کشورهای عربی در انتقال انرژی به اسرائیل باشد و قزاقستان مهم‌ترین هدف اسرائیل در سال‌های اخیر بوده است.

و) یکی دیگر از اهداف اسرائیل در آسیای مرکزی جلب نظر رهبران این کشور در مجامع بین‌المللی به سود خویش است.

ی) وجود سلاح‌های هسته‌ای در آسیای مرکزی و ترس اسرائیل از احتمال صدور این‌گونه تسلیحات به کشورهای منطقه یکی دیگر از اهداف حضور اسرائیل در آسیای مرکزی است (ملکی، ۱۳۷۷: ۵۱).

#### ۵- اتحادیه اروپا

یکی از مهم‌ترین دلایل جهت حضور اروپایی‌ها در منطقه آسیای مرکزی نیاز شدید آن‌ها به انرژی، به ویژه گاز مصرفی است. طبیعی‌ترین و منطقی‌ترین راهی که برای اروپا وجود داشت تا با جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز تعامل داشته باشد، حرکت در مسیری بود که در نهایت با انجام اصلاحات عمیق در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، زیست‌محیطی و امنیتی، کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را به شرکای همگون و پایداری برای اروپا تبدیل کند (حسن‌خانی، ۱۳۸۴: ۱۲۸-۱۲۷). کشورهای اروپایی که امروزه حضور خود را در مناطق مورد نظرشان در قالب کشورهای مشترک المنافع تجلی داده‌اند توانسته‌اند با ایجاد سازمان‌های نظیر ناتو و یا سازمان امنیت و همکاری اروپا اهداف خود را به پیش ببرند. اتحادیه اروپا یا سازمان امنیت و همکاری اروپا پس از فروپاشی شوروی تاکنون تلاش نموده‌اند حوزه فعالیت‌های خود را در آسیای مرکزی گسترش دهند و به منظور مقابله با چالش‌های برخاسته از نابسامانی‌های اقتصادی و بی‌ثباتی‌های ناشی از دگرگونی سیاسی حضور خود را در این منطقه فعال‌تر نمایند. در

همین راستا این سازمان چند وظیفه اصلی را در آسیای مرکزی بر عهده دارد که عبارتند از:

۱. کوشش همه جانبه برای حاکم نمودن ارزش‌های مشترک در آسیای مرکزی و قفقاز؛
۲. این سازمان نهاد هماهنگ کننده گفتگو در مورد مسائل امنیتی در اروپا تلقی می‌شود در این چارچوب هر کشور عضو در هر زمان می‌تواند هرگونه نگرانی امنیتی را با این سازمان در ارتباط بگذارد (شیرازی و مجیدی، ۱۳۸۲: ۳۳۰)؛
۳. این سازمان در کنترل تسلیحات و خلع سلاح نقش به سزایی دارد؛
۴. این سازمان مجهز به ابزار و امکاناتی است که می‌تواند در صورت بروز بحران و جنگ‌های داخلی جهت کاهش تنش و ثبات نقش برجسته‌ای را ایفا نماید.

### نتیجه‌گیری:

به طور کلی کشورهای آسیای مرکزی دارای تاریخی بلند و تمدنی بزرگ هستند که برخاسته از تمدن‌های ایران باستان و اسلام می‌باشد. چرا که در گذشته‌های دور تنها سرزمین ایران بود که دارای وسعت بسیار زیادی بود و کشورهای آسیای مرکزی نیز شامل این تمدن بزرگ می‌شدند. تا این که به مرور زمان و با سقوط امپراطوری ایران به دست مغولان ایلات ایران به تدریج تجزیه شدند و بر هر ناحیه، پادشاهی حکمرانی می‌نمود و بدین ترتیب کشورهای آسیای مرکزی نیز از حاکمیت سلاطین ایرانی بیرون آمدند و خود مستقل و به صورت عشیره‌ای اداره می‌شدند.

اما بار دیگر با ورود سپاهیان اسلام این منطقه تحت لوای حاکمان اسلامی قرار گرفت و از سویی با روی کارآمدن حکومت صفوی در ایران و تأکید بر مذهب تشیع، مسلمانان سنی مذهب آسیای مرکزی را ناچار ساخت تا از طریق خاک روسیه به سوی مکه و مراکز اسلامی بروند. بنابراین مسیر روسیه، دریای سیاه و شام برای رسیدن به مکه مورد

توجه قرار گرفت. بار دیگر آسیای مرکزی و ایران از یکدیگر فاصله گرفتند و در همین زمان نیز شوروی سابق با ورود خود به این منطقه توانست این کشورها را تحت لوای خود درآورد.

اما پس از سقوط شوروی این کشورها وارد عرصه جدیدی از حیات سیاسی و تاریخی خود گردیدند که توانستند در عرصه بین‌المللی مورد توجه قرار گیرند البته باید اذعان داشت که دلیل این امر نیز نبود حکومتی مقتدر در ایران بود چرا که از یک سو شوروی خود دچار بحران بزرگی شده بود و ایران نیز خود با مشکلات عدیده‌ای مواجه بود لذا فرصت برای کشورهای آسیای مرکزی مغتنم گردید و توانستند وارد مرحله جدیدی از حیات سیاسی خود گردند و از آن جا که این منطقه دارای منابع متعدد زیرزمینی است و پل ارتباطی یا به عبارتی چهارراه ترانزیتی میان شرق و غرب می‌باشد مورد توجه قدرت جهانی قرار گرفته است.

البته باید اذعان داشت که این منطقه به دلیل ساختارهای نامناسب سیاسی که میراثی از دوران شوروی سابق است و روند توسعه و آگاهی سیاسی را به تأخیر انداخته و همچنین عدم وجود رهبران و حاکمان خلاق، سبب گردیده که این کشورها نتوانند از پتانسیل‌های موجود در منطقه به سود خود استفاده نمایند.

گرچه این کشورها در معادلات و سیاست‌های جهانی مورد توجه قرار گرفته‌اند ولی این به منزله برتری اقتصادی یا وجود منزلت سیاسی نیست بلکه به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی این منطقه در معادلات جهانی است که قدرت‌های جهانی را به تعمق در مورد این منطقه واداشته است.

از سویی نیز این کشورها تلاش‌های متعددی نموده‌اند تا به یک همگرایی در سطح منطقه‌ای دست یابند تا از این طریق بتوانند به یک جایگاه بهتری در سطح بین‌الملل دست یابند. لذا می‌توان از سازمان اکو و یا پیمان شانگهای در راستای این تلاش‌ها اشاره نمود.

منابع:

اکینر، شیرین، (۱۳۸۷) اقوام مسلمان اتحاد شوروی، ترجمه: حسین آریا، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.

ایوگن، رومر، بهار ( ۱۳۸۳)، جانشین‌های رهبری در آسیای مرکزی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴۵.

بصیری، محمدعلی، ایزدی زمان‌آبادی، مژگان، اهداف سیاست خارجی آمریکا در آسیای مرکزی، فصلنامه مطالعات آسیا حبیب‌الله ابوالحسن شیرازی، محمد رضامجیدی، (۱۳۸۲). سیاست و حکومت در آسیای مرکزی، تهران، انتشارات قومس.

حسن‌خانی، محمد، بهار (۱۳۸۴). نقش سازمان امنیت و همکاری اروپا در کشورهای منطقه اوراسیا، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴۹.

حیدری، غلامحسین، (۱۳۷۲). ویژگی‌های ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی وزارت دفاع.

حاجی‌یوسفی، امیرمحمد، پاییز ( ۱۳۸۴)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، چاپ دوم.

حافظ‌نیا، محمدرضا، تابستان (۱۳۸۳) نقش آفرینی ژئواستراتژیک محور قفقاز - آسیای مرکزی در رقابت‌های جهانی، مجموعه مقالات دهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران.

شوکوئی، تیو، (۱۳۷۳). موقعیت ژئوپلیتیک و اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی در دهه ۹۰ و چشم‌انداز توسعه آن، ترجمه: شاهرخ بهار، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵.

مرتضی علویان، ولی کوزه‌گر کالجی، تابستان (۱۳۸۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و آسیای مرکزی؛ بسترهای همگرایی و زمینه‌های واگرایی، فصلنامه علوم سیاسی، سال دوازدهم، شماره ۴۶.

فو، گوگون، بهار (۱۳۷۴). نقش منابع در توسعه اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸.

مجتهدزاده، پیروز، خرداد (۱۳۷۶). جغرافیا و سیاست در دنیای واقعیت‌ها، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۱۹.

مجتهدزاده، پیروز، پاییز و زمستان (۱۳۸۷). خزر بر سر دو راهی درگیری و همکاری: بررسی راه‌های گسترش همکاری ایران و کشورهای آسیای مرکزی، ترجمه: ولی کوزه‌گر کالجی، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال پانزدهم، شماره ۳ و ۴.

ملکی، محمدرضا، زمستان (۱۳۷۷)، روابط ترکیه و اسرائیل و آثار آن بر آسیای مرکزی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۴.